



دوماهنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره دوم، ضمیمه شماره ۷، بهار ۱۳۹۶

## گرشاسپ‌نامه کتابخانه بریتانیا (به شماره Or.11586)

محمود امیدسالار

صاحب امتیاز: مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

چاپ (دیجیتال): میراث

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و ابوریحان، شماره ۱۱۸۲

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲ ، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir  
gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۱۰۰۰۰۰ ریال



به یاد استاد حبیب یغائی

# کرشاسپ نامه کتابخانه بریتانیا

(به شماره Or. 11586)

محمود امیدسالار



پیش ازین بنده در باب اوراق باقی مانده از دستنویسی قدیم از گرشاسپ نامه، در جشن نامه استاد اسماعیل سعادت مطلبی نوشته، متن برخی از ابیات آن را به همراه عکس چند ورق شامل آن ابیات برای درج در آن ارجمانه به فرهنگستان ارسال کرده بودم؛ اما پس از انتشار کتاب متوجه شدم که عکس اوراق نسخه خطی را چاپ نکرده اند. مدتی پس از آن، دوست دانشمند گرامی جناب آقای کاشانی - حفظه الله - که می دانستند بنده چند سالی است که مشغول فراهم آوردن مقدمات تصحیح مجدد گرشاسپ نامه هستم و اوقات آزادم به بررسی نسخ خطی این کتاب می گذرد، از بنده خواستند که چیزی در باب برخی از دستنویس های مهم این کتاب بنویسم و برای انتشار در نامه بهارستان ارسال دارم. چون مطلبی که قبلاً برای جشن نامه استاد سعادت ارسال داشته بودم بدون تصویر اوراق نسخه منتشر شده بود، بر آن شدم که با معرفی دستنویس کهن کتابخانه انگلستان (به شماره 11586 Or.) تمام ابیات این دستنویس را که شامل ۸۲۰ بیت از گرشاسپ نامه است استخراج کنم، و پس از مقابله با گرشاسپ نامه مرحوم یغمائی و تعیین محل هر بیت در آن چاپ، همراه با عکس کل نسخه به نامه بهارستان بفرستم، تا به یاد استاد حبیب یغمائی منتشر شود؛ اما متأسفانه نامه بهارستان هم تعطیل شد و این کار همچنان معوق ماند.

پنج- شش سالی پس از این قضایا، مطلب را با دوست فاضلم جناب دکتر علی اکبر ایرانی، مدیر عامل محترم مرکز پژوهشی میراث مکتوب، که بی تردید یکی از بهترین و پرکارترین مراکز تحقیقات در باب متون اسلامی ایران و بلکه جهان است، مطرح کردم و ایشان بلافاصله تصمیم

به چاپ این جزوه گرفتند و از فقیر خواستند که متن مقاله و عکس اوراق نسخه را برای چاپ به مرکز میراث مکتوب بفرستم. آنچه در این جزوه به خوانندگان گرامی تقدیم می‌شود، حاصل این فرایند پریچ و خم است. در اینجا لازم می‌دانم که از فاضل محترم آقای مسعود راستی‌پور که برخی اشتباهات فقیر را در حین آماده‌سازی متن برای چاپ تصحیح کردند نیز تشکر کنم.

\* \* \*

پیش از ورود در بحث، باید تذکر دهم که این اوراق فقط شامل برخی از برگ‌های دستنویسی قدیم است که در ساختن آستر جلد کتاب دیگری به کار رفته بوده‌اند، و مانند نسخه وامق و عذرای عنصری، بر حسب تصادف کشف و از هم جدا شده‌اند؛ بنابراین اطلاق لفظ «نسخه» بر این برگ‌های باقی مانده، ممکن است از نظر برخی محلّ اشکال باشد. اما چون همین چند برگ هم، که از یک نسخه بسیار قدیم گرشاسپ‌نامه باقی مانده، غنیمت است، ما از این اوراق پراکنده با الفاظ نسخه و دستنویس یاد خواهیم کرد.

چنان که خواننده اهل فن بلافاصله متوجه خواهد شد، از خط و قرائن دیگر پیداست که این برگ‌ها به نسخه‌ای از گرشاسپ‌نامه متعلق بوده‌اند که احتمالاً در سده پنجم و شاید در زمانی نزدیک به دوره حیات اسدی کتابت شده بوده، یا شاید از منتخبی از آن کتاب بوده‌اند که در مجموعه‌ای - از قبیل سفینه و جنگ و امثال آن - قرار داشته است. مرحوم یغمائی در باب این دستنویس می‌نویسد:

نسخه موزه بریتانیا بنشان OR.11586 که مجموعاً ۲۲ ورقست و این اوراق در میان جلد کتاب بسیار کهنه‌ای بوده که آنها را بیکدیگر چسبانده مقوا ساخته بوده‌اند. این اوراق در لندن از هم جدا شده و بشکل کتابی درآمده است. خط آن نسخ نپخته و بنظر بنده یکی از نسخ بسیار قدیم و بسیار معتبر گرشاسپ‌نامه بوده. درین نسخه غالباً در جمع مخاطب افعال «د» به «ت» تبدیل شده، مثلاً: «داریت» بجای «دارید» و «باشیت» و «رویت» بجای «باشید» و «روید» و همچنین نظایر آن. (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: هفده - هجده)

ناگفته نماند که این نسخه را ابتدا مرحوم مینوی در نامه‌ای مورخ خرداد ۱۳۱۵ به یغمائی شناسانده بوده است (نک. مینوی، ۱۳۲۳) و برخی از جزئیات مطلب را فاضل محترم آقای

دکتر آل داود ذکر کرده است (آل داود، ۱۳۸۵: ۳۱۰-۳۱۱). علی ایّ حال مرحوم یغمائی نوشته است که اوراق این دستنویس شامل این ابیات است (بر اساس چاپ خود او): بیت ۲۱۹ ص ۳۲ تا بیت ۲۳۶ ص ۳۳؛ بیت ۲۴ ص ۲۰۳ تا بیت ۱۱۸ ص ۲۰۷؛ بیت ۲۳ ص ۲۱۴ تا بیت ۵۵ ص ۲۱۹؛ بیت ۹۶ ص ۲۲۱ تا بیت ۵۷ ص ۲۵۲ (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: هفده، پانویس ۱)؛ اما یا در شمارش آن مرحوم اشتباهی رخ داده و یا غلط چاپی منجر به ایجاد اشتباهی در نوشته ایشان شده است.

از روی عکس این نسخه نمی‌توان شماره اوراق آن را به درستی معین کرد، زیرا هر عکس حاوی تصویر دو صفحه روبرو است و نمی‌توان تشخیص داد که کدام دو صفحه بر پشت و روی یک برگ قرار داشته‌اند. افزون بر این، شماره‌گذاری اوراق این دستنویس با شماره‌گذاری معمول نسخ خطی متفاوت است. در نسخ خطی دو روی یک ورق در شماره‌گذاری اوراق مثلاً به صورت ۲آ و ۲ب، یا ۲ر (= رو) و ۲پ (= پشت) مشخص می‌شود؛ اما توالی ورق‌شمارهایی که بر تصاویر این نسخه قرار گرفته‌اند غیر معمول است. برای روشن شدن مطلب، جدولی را که مسئولین موزه از تطبیق ابیات موجود در این اوراق با ابیات اوراق نسخه Or. 2780 کتابخانه بریتانیا (یعنی همان نسخه‌ای که گرشاسپ‌نامه، شهنشاه‌نامه، بهمن‌نامه، و کوش‌نامه را با هم در یک مجلد دارد) به دست داده‌اند، نقل می‌کنم:

شماره اوراق نسخه Or. 2780	شماره این اوراق (Or.11586)
Fol. 4r	1r
Fol. 4r	1v
Fol. 4v	2r
Fol. 4v	2v
24r	3br
24r - 24v	3bv
22v - 23r	2br - v
24v	4r - v
26v	5br - v

6r - v	27r
5ar - v	26r - v
7r - v	27r - v
4br - v	25r - v
4cr - v	25r - v
4dr - v	25v
5cr - v	26v - 27r
5dr - v	26v - 27r
5ar - v	26r
8r - v	27v
3r - v	23v - 24r
3ar - v	23v - 24r
2cr - v	23r - v
2dr - v	23r - v

چنان که ملاحظه می‌کنید، نمی‌توان دریافت که منظور از اوراق 5ar، 5dr، 5cr یا دیگر اوراقی که به این ترتیب شماره‌گذاری شده‌اند کدام اوراق است؛ بنابراین ناچاریم که به جای ورق، از تصویر سخن بگوییم و آنچه را که در هریک از تصاویر این قطعات در فیلم آنها هست توصیف کنیم. این نسخه بر اساس میکروفیلمی از آن که به لطف استاد خالقی مطلق نزد بنده موجود است، ۲۵ تصویر دارد که بیشتر این تصاویر بقایای ابیات دو صفحه را نشان می‌دهند؛ اما اولین تصویر، مستقیماً به متن گرشاسپ‌نامه ربطی ندارد، بلکه طرف راست آن سیاه است، که نمی‌دانم تصویر جلدی است که برای این قطعات تدارک دیده‌اند یا چیز دیگری است که در عکس سیاه افتاده است. همچنین در طرف چپ این تصویر، جدول تطبیق ابیات موجود در اوراق این نسخه با دیگر نسخه کتابخانه بریتانیا قرار دارد، که این تطبیق را ما در جدول فوق به دست دادیم. اما آخرین تصویر عکس یک برگ سفید است و فقط عبارت انگلیسی *Extracted from the lining of a manuscript* (از آستر یک نسخه بیرون آورده شد) در آن به چشم می‌خورد. بنابراین ما تصویر اول و تصویر آخر از این ۲۵ عکس را کنار گذاشته‌ایم و فقط به تصاویری که ابیات گرشاسپ‌نامه را شاملند پرداخته‌ایم.



اما از تصاویر شامل ابیات گرشاسپ‌نامه، مرحوم یغمائی محتوای تصویرهای شماره ۱ و ۲ را در توصیف خود از این نسخه به دست نداده است؛ بنابراین یا آن مرحوم عکس ناقصی از این نسخه داشته، یا در حساب ابیات طغیان قلمی رخ داده است. علی‌ای حال شماره تصاویر موجود از اوراق این نسخه، چنان که گفتیم، ۲۵ است که از اینها ۲۳ تصویر حاوی برخی قطعات گرشاسپ‌نامه است و دو تصویر دیگر به متن این کتاب ربطی ندارد.

بیشتر اوراق این نسخه در گوشه چپ فوقانی، یعنی محلی که معمولاً ورق‌شمار بر آن قرار می‌گیرد، شماره‌هایی دارند که از یک رقم عربی که بعد از آن یک حرف لاتینی آمده است تشکیل شده‌اند (مثلاً در گوشه چپ تصویر سوم ورق‌شمار ۲b و در گوشه تصویر ۵ ورق‌شمار ۲d نوشته شده است). چون این نشانه‌های غیرمتعارف در محل ورق‌شمار آمده‌اند، ما آنها را «ورق‌شمار» می‌نامیم؛ اما باید در نظر داشت که اینها ورق‌شمار معمولی نیستند و قطعاً به دست یکی از کسانی که در ترمیم یا شناسایی این اوراق دخالت داشته‌اند بر اوراق نسخه نهاده شده‌اند. دیگر این که چون درین «ورق‌شمار»‌های کاذب، ارقام عربی و حروف بعد از ارقام لاتینی هستند، لابد شخصی که این ورق‌شمارها را بر گوشه این اوراق نهاده است، یک نفر ایرانی بوده که در آن زمان در بریتانیا زندگی می‌کرده و احتمال در کتابخانه بریتانیا شاغل، یا با آن نهاد در رابطه بوده است. این ورق‌شمارهای کاذب بر تصویرهای ۱، ۲، ۹، ۱۳ و ۲۳ دیده نمی‌شوند. قطعات این نسخه لابد جزو یک مجلد بسیار مفصل‌تر بوده‌اند که کسی که آن مجلد را اوراق کرده، بعداً در ساخت آستر جلد نسخه دیگری به کار برده بوده است. آنچه مؤید این حدس است، این است که در برخی از این تصاویر، ورق‌شمارهایی به قلم قدیم دیده می‌شوند، که باید مربوط به اوراق آن نسخه مفصل‌از دست‌رفته باشد. این ورق‌شمارها عبارتند از:

- تصویر ۳. رقم ۵ و دم رقمی پیش از آن در میان صفحه دست راست، عدد ۲۰۰ در سمت چپ صفحه دست راست، و بقایای یک عدد دویا سه‌رقمی در گوشه چپ صفحه دست چپ؛
- تصویر ۴. رقم ۱۹۹ در گوشه راست و عدد ۹۷ در میانه صفحه دست راست؛
- تصویر ۵. عدد ۲۰۱ (؟) در گوشه راست و رقم ۹۸ در میان صفحه دست راست؛

- تصویر ۶. بقایای رقم ۹۹ (؟) در میانه صفحه دست راست؛
- تصویر ۷. رقم ۲۰۹ در گوشه راست، عدد ۱۰۲ در میانه صفحه دست راست؛
- تصویر ۸. رقم ۱۰۳ در میانه صفحه دست راست؛
- تصویر ۹. رقم ۱۰۲ در میانه صفحه دست راست؛
- تصویر ۱۰. رقم ۲۱۶ در گوشه چپ صفحه دست چپ؛
- تصویر ۱۱. رقم ۲۱۷ در کناره راست و بقایای رقم ۱۰۹ در میانه صفحه دست راست؛
- تصویر ۱۳. عدد ۲۲۳ در گوشه راست صفحه دست راست؛
- تصویر ۱۵. رقم ۲۲۴ در گوشه راست صفحه دست راست؛
- تصویر ۱۶. رقم ۲۳۲ در گوشه چپ، و رقم ۵۹۹۴۳ (به نظر من این ارقام در واقع دو رقم ۵۹۹ و ۴۳ هستند که قدری نزدیک به هم نوشته شده اند؛ اما در این مورد به ضرس قاطع نمی توان اظهار نظر کرد) به قلم قدیم در حاشیه چپ صفحه دست چپ دیده می شود. همچنین در حاشیه این صفحه کلمه ای هست که یا خوانده نمی شود و یا من نمی توانم آن را بخوانم؛
- تصویر ۱۷. گوشه فوقانی صفحه دست راست رقم ۱۱۱ (؟) و زیر آن، عدد ۲۲۳ و در گوشه چپ صفحه دست چپ عدد ۲۲۲؛
- تصویر ۱۸. در سمت راست صفحه دست راست رقمی هست که در تصویر درست خوانده نمی شود، و ممکن است ۲۰۰، ۳۰۰، ۸۶۶ یا ۶۹ باشد، وزیر آن رقم ۲۳۴ دیده می شود. در میان این صفحه رقم ۱۱۴ نوشته شده است؛
- تصویر ۲۰. رقم ۵۲۹ به قلم قدیم در گوشه راست صفحه راست؛
- تصویر ۲۱. رقم ۱۱۸ در میانه صفحه دست راست و ۲۲۲ (؟) در گوشه راست صفحه راست؛
- تصویر ۲۲. رقم ۵۲۳ (؟) به قلم قدیم در کناره دست راست صفحه راست، عدد ۱۱۹ در میانه این صفحه، و باقی مانده یک عدد سه رقمی در گوشه چپ صفحه چپ دیده می شوند؛
- تصویر ۲۳. بقایای یک عدد سه رقمی در گوشه راست صفحه دست راست مشهود است.

بر اساس شمارش من و مقایسه محتویات اوراق این دستنویس با متن چاپی گرشاسپ‌نامه، موارد تشابه این دستنویس با گرشاسپ‌نامه استاد یغمائی از این قرار است که در جدول زیر آمده است. در ارجاعاتی که در این جدول به متن به گرشاسپ‌نامه یغمائی داده‌ام، شماره اول از دست چپ شماره صفحه، شماره بعد (که پس از خط کج نوشته شده است) شماره بخش داستان، و شماره آخر (که پس از خط کج دوم آمده است) شماره بیت در آن بخش از داستان است؛ بنابراین در جدول زیر اولین بیت این نسخه مطابق است با بیتی که در صفحه ۲۷، بخش ۱۲، بیت ۱۲۴ از گرشاسپ‌نامه چاپی آمده است. همچنین علت این که جدول زیر به جای ۲۵ ردیف برای ۲۵ تصویر موجود از این نسخه، ۲۳ ردیف دارد، این است که چنان که ذکر شد، تصویر اول و آخر این دستنویس که به گرشاسپ‌نامه مربوط نمی‌شوند، در این جدول وارد نشده‌اند. در مورد شماره‌گذاری اوراق دستنویس، برگ‌هایی را که حاوی ابیات گرشاسپ‌نامه نیستند به کنار گذاشته‌ایم و از اوراقی شروع کرده‌ایم که ابیات یا بخشی از ابیات گرشاسپ‌نامه را شاملند. آنچه از متن گرشاسپ‌نامه در این اوراق باقی مانده، بر اساس متن مصحح مرحوم یغمائی، به قرار زیر است:

شماره تصویر	تعداد ابیات	نشانی ابیات در چاپ مرحوم یغمائی
۱	۱۹	۱۴۲/۱۲/۲۸-۱۲۴/۱۲/۲۷ (تنها مصراع‌های اول را دارد)
۲	۳۸	۲۱۸/۱۲/۳۲-۲۰۰/۱۲/۳۱ نیز ۱۶۱/۱۲/۲۹-۱۴۳/۱۲/۲۸
۳	۳۷	۴۲/۷۵/۲۰۴-۲۴/۷۵/۲۰۳ نیز ۲۳۶/۱۲/۳۳-۲۱۹/۱۲/۳۲
۴	۳۸	۸۰/۷۵/۲۰۶-۶۲/۷۵/۲۰۵ نیز ۶۱/۷۵/۲۰۵-۴۳/۷۵/۲۰۴
۵	۳۷	۱۱۷/۷۵/۲۰۷-۹۹/۷۵/۲۰۷ نیز ۹۸/۷۵/۲۰۶-۸۱/۷۵/۲۰۶
۶	۳۷	۲۲/۷۸/۲۱۴-۳/۷۸/۲۱۳ نیز ۱۳۶/۷۵/۲۰۸-۱۱۸/۷۵/۲۰۷
۷	۳۸	۶۱/۷۸/۲۱۶-۴۲/۷۸/۲۱۵ نیز ۴۱/۷۸/۲۱۵-۲۳/۷۸/۲۱۴
۸	۳۷	۳۵/۷۹/۲۱۸-۱۷/۷۹/۲۱۷ نیز ۱۶/۷۹/۲۱۷-۶۲/۷۸/۲۱۶
۹	۳۸	۱۸/۸۰/۲۲۴-۱۳۳/۷۹/۲۲۳ نیز ۵۴/۷۹/۲۱۹-۳۶/۷۹/۲۱۸

۱۱۵/۷۹/۲۲۲-۹۶/۷۹/۲۲۱ نیز ۳۷/۸۰/۲۲۵-۱۹/۸۰/۲۲۴	۳۸	۱۰
۲۸/۸۱/۲۲۶-۳۸/۸۰/۲۲۵ نیز ۱۳۲/۷۹/۲۲۳-۱۱۶/۷۹/۲۲۲	۳۶	۱۱
۵۷/۸۱/۲۲۹-۳۸/۸۱/۲۲۸ نیز ۳۷/۸۱/۲۲۸-۱۹/۸۱/۲۲۶	۳۸	۱۲
۲۹/۸۲/۲۳۳-۱۲/۸۲/۲۳۲ نیز ۷۲/۸۱/۲۳۰-۵۸/۸۱/۲۲۹	۳۷	۱۳
۹۱/۸۱/۲۳۱-۷۳/۸۱/۲۳۰ نیز ۴۹/۸۲/۲۳۴-۳۰/۸۲/۲۳۳	۳۸	۱۴
۹/۸۳/۲۳۷-۸۹/۸۲/۲۳۶ نیز ۱۱/۸۲/۲۳۲-۹۲/۸۱/۲۳۱	۳۶	۱۵
۱۳/۸۴/۲۳۹-۳۱/۸۳/۲۳۸ نیز ۳۰/۸۳/۲۳۸-۱۰/۸۳/۲۳۷	۳۷	۱۶
۲۷/۸۵/۲۴۱-۹/۸۵/۲۴۰ نیز ۸/۸۵/۲۴۰-۱۴/۸۴/۲۳۹	۳۷	۱۷
۳۷/۸۶/۲۴۳-۲۰/۸۶/۲۴۲ نیز ۱۹/۸۶/۲۴۲-۱/۸۶/۲۴۱	۳۷	۱۸
۷۵/۸۶/۲۴۵-۵۷/۸۶/۲۴۴ نیز ۵۶/۸۶/۲۴۴-۳۸/۸۶/۲۴۳	۳۸	۱۹
۳۰/۸۷/۲۴۷-۱۳/۸۷/۲۴۶ نیز ۱۲/۸۷/۲۴۶-۷۶/۸۶/۲۴۵	۳۷	۲۰
۱/۸۸/۲۴۹-۵۰/۸۷/۲۴۸ نیز ۴۹/۸۷/۲۴۸-۳۱/۸۷/۲۴۷	۳۷	۲۱
۳۷/۸۸/۲۵۱-۱۹/۸۸/۲۵۰ نیز ۱۸/۸۸/۲۵۰-۲/۸۸/۲۴۹	۳۶	۲۲
۵۶/۸۸/۲۵۲-۳۸/۸۸/۲۵۱	۱۹	۲۳
	۱۸۲۰	جمع ابیات

۱. تفاوت این تعداد، با شماره‌های ابیات در متن تصحیح شده‌ها، از آن روست که برای حفظ پیوستگی ابیات، دو بیت را از چاپ مرحوم یغمائی به متن این دستنویس افزوده‌ایم (ابیات ۱۸۸ و ۴۸۸).

چون مرحوم یغمائی خصوصیات اوراق باقی مانده از این دستنویس را بسیار خلاصه معرفی کرده است و توصیف او بیش از همان چند سطر نیست که پیش از این آوردیم، لازم می‌دانم که برخی از خصوصیات مهم آن را قدری مفصل‌تر بیان کنم. البته باید توجه داشت که چون من اصل دستنویس را ندیده‌ام و آنچه می‌نویسم بر اساس میکروفیلم سیاه و سفیدی از آن است که سالیان پیش جناب استاد خالقی مطلق به بنده مرحمت کرده‌اند، و چون میکروفیلم بسیار کم کیفیت است، بعید نیست که در قرائت ابیات و توصیف نسخه اشتباه بسیار کرده باشم و انشاءالله اهل فن بر فقیر منت می‌نهند و این اشتباهات را تصحیح می‌کنند.

این اوراق به قطع ۲۷/۷ در ۱۸/۹ سانتی متر است (Meredith-Owens, 1968: 73) و هر ورق آن شامل ۱۹ بیت بوده که در دو ستون - هر مصرع در یک ستون - کتابت شده‌اند. صفحات دستنویس مجدول نیستند و هیچ‌گونه تذهیب و تزئینی ندارند. خط نسخه، چنان که مرحوم یغمائی نوشته‌اند، نسخی کهن اما بسیار کم‌نقطه است. کم‌نقطگی متن این احتمال را که این کاتب نسخه را برای استفاده شخصی نوشته بوده است تقویت می‌کند، اما این را هم به ضرر قاطع نمی‌توان گفت.

چنان که گفتیم، بر برخی از اوراق این دستنویس ورق‌شمارهایی دیده می‌شود که به قلم قدیم نوشته شده‌اند. در گوشه فوقانی صفحه دست چپ تصویر شماره ۱۹، در زیر و دست راست رقم ۵، سه نقطه دیده می‌شود که به صورت مثلثی که رأس آن به طرف پائین است قرار داده شده‌اند. اگر این سه نقطه آسیبی نباشد که به کاغذ وارد شده است، ممکن است از سه نقطه‌هایی باشد که برخی از نسخ قدیم، به دلایل گوناگون، در حواشی نسخه می‌نهادند. از روی عکس تشخیص قطعی این قضیه برای من مقدور نیست.

چنان که پیش از این متذکر شدم، در حاشیه صفحه طرف راست تصویر شماره ۱۶ نیز کلمه‌ای نوشته شده است، که مرکبش دویده و من نمی‌توانم آن را با اطمینان بخوانم. کاتب جای‌جای در متن برای این که مطالب را از هم جدا کند، به اندازه یک سطر را سفید گذاشته است، که در عکس - ها پیداست. او در چند مورد هم متن را اشتباه نوشته و اشتباه خود را خط زده و صورت درست را کتابت کرده است (مثلاً تصویر شماره ۱۴، مصرع دوم بیت ۱۵). گذشته از آنچه به کتابت نسخه مربوط می‌شود، دو مهر کتابخانه انگلیس نیز در این دستنویس دیده می‌شود (نک. تصویر ۲ و ۲۲).

### رسم الخط

آ. علامت مدّه را در بیشتر موارد نگذاشته، اما بسیار به ندرت آن را کتابت کرده است: آزمودن (تصویر ۱۲، سطر ۱۲، صفحه چپ). همچنین به نظر می‌رسد که در لغاتی مانند آگهی که می‌توان سرکش گاف را طوری کتابت کرد که کار مدّه را هم بکند، این کار را کرده است (تصویر ۱۷، صفحه چپ، سطر ۲ از پایین، مصرع اول).

پ. نقطه گذاری حرف پ نامنظم است و گاهی این حرف را با سه نقطه می نویسد (مثلاً تصویر ۲، سطر آخر: پارسایست؛ تصویر ۳، صفحه چپ، سطر ۱۳ و ۱۶: پُر؛ تصویر ۱۴، صفحه چپ، سطر آخر: پَر)، و در اکثر موارد بی نقطه (مثلاً تصویر ۱، سطر ۱۴: سکرش (= پیکرش)). با توجه به کم نقطگی این دستنویس، کتابت نقطه دار حرف پ با سه نقطه، ولو این که به ندرت دیده شود، از نظر تاریخ رسم الخط فارسی بسیار مهم است. باید توجه داشت که در بعضی از نسخ قدیمه، هرگاه حروف ب یا پ پیش از حرف یا بیاید، معمول بسیاری از کتاب قدیم این بوده است که برای صرفه جویی در نقطه گذاری، دو نقطه یا و یک نقطه حرف با را جمع می کرده اند و به صورت سه نقطه زیر حرف اول کلمه قرار می داده اند. بنده این رسم را در بسیاری از نسخ قدیم دیده ام و در این نسخه هم در تصویر شماره ۱۲ دست راست، سطر سوم، مصراع اول کلمه پیدا به صورت پیدا نوشته شده است؛ افزون بر این، در تصویر شماره ۳ صفحه راست، سطر سوم از پایین، مصراع ثانی کلمه پی (به + پی) نیز به صورت پی نوشته شده است. در کلماتی از قبیل نمونه اخیر، حرف یکم با سه نقطه - مثل حرف پ فارسی - نوشته می شود، اما نقاط حرف دوم، که حرف یا باشد، حذف می شود. به گمان بنده، در این موارد حرف اول در واقع مانند با یک نقطه دارد، اما برای این که متن پر از نقطه نشود، تک نقطه بایی که به جای پ فارسی نوشته شده، و دو نقطه حرف ثانی که یا است را جمع کرده و زیر حرف اول گذاشته اند؛ در نتیجه هم حرف اول را به صورت پ فارسی در آورده اند و هم از گذاشتن نقاط زیاد در متن خودداری کرده اند. علی ای حال به نظر بنده در این موارد منظور این بوده است که هم سه نقطه پ را بگذارند و هم از گذاشتن نقاط بسیار احتراز کنند.

ج. حرف چ گاهی با سه نقطه (تصویر ۱۶، صفحه چپ، سطر ۱: چل؛ تصویر ۱۷، صفحه چپ، سطر ۶: غرچگان) و در اکثر موارد دیگر بی نقطه نوشته شده است (مثلاً تصویر ۱۲، صفحه راست، سطر ۵: حو = چو؛ سطر آخر: چهارم = چهارم، و بسیاری موارد دیگر). در یک موضع هم به اشتباه کلمه جنگ با سه نقطه، به صورت چنک، نوشته شده است (تصویر ۵، صفحه راست، سطر ۲ از پایین).

ذال. ظاهر امر این است که کاتب این اوراق، قاعده ذال را رعایت نمی‌کند؛ اما به نظر من علت اصلی بی‌نقطه بودن ذال در این نسخه، این است که نسخه اساساً کم‌نقطه نوشته شده است و در دستنویس‌های کم‌نقطه، از بود یا نبود نقطه ذال نمی‌شود حکم قطعی به رعایت کردن یا نکردن قاعده دال و ذال توسط کاتب کرد.

ژ. علی‌رغم این که کاتب در نقطه‌گذاری بسیار صرفه‌جویی کرده و اکثر متن را بی‌نقطه نوشته است، او هم مانند کاتبان اکثر نسخ قدیمه نقاطِ حرفِ ژ را همیشه می‌نویسد<sup>۱</sup> (مثلاً در تصویر ۲، صفحه چپ، سطر ۵ از پایین: دژم؛ تصویر ۳، صفحه راست، سطر ۱۱: نژاد؛ تصویر ۴، صفحه راست، سطر ۱: دژم؛ تصویر ۱۰، صفحه راست، سطر ۳: ژاله؛ تصویر ۱۸، صفحه راست، سطر ۴ از پایین: ژرف؛ تصویر ۱۸، صفحه چپ، سطر ۶ از پایین و نیز سطر آخر: دژم؛ و بسیاری موارد دیگر). تا آنجا که بنده دیده‌ام، در این دستنویس حرف ژ به ندرت بی‌نقطه نوشته شده است، و حتی در برخی از این موارد بی‌نقطه بودن حرف ژ ممکن است معلول بدخوانی کلمه توسط کاتب بوده باشد. مثلاً در تصویر ۱۸، صفحه راست، سطر ۲ در مصراع «ز نادادن بار [= باژ] و کین خواستن»، احتمال دارد که کاتب نادادن باژ را با نادادن بار اشتباه کرده باشد و کلمه را بدان علت بی‌نقطه نوشته باشد؛ اما در موارد دیگر (یعنی تصویر ۴، صفحه چپ، سطر ۱۰: نژند = نژند؛ تصویر ۲۲، صفحه راست، سطر ۳ از پایین: مرکان = مژگان) کاتب عمداً نقاط ژ را نگذاشته است.

ش. حرف شین بیشتر اوقات بی‌نقطه و گهگاه بانقطه نوشته می‌شود؛ شواهد این مورد در سراسر این اوراق فراوان است.

ف. در گذاشتن نقاط حرف فا به چند شیوه عمل شده است؛ گاهی این حرف به شیوه نسخ قدیم سه نقطه دارد (مثلاً تصویر ۱، سطر ۶: افرون (= افزون)؛ تصویر ۴، صفحه چپ، سطر ۵ از پایین: دل‌افروز؛ تصویر ۱۴، صفحه چپ، سطر ۳: تیره‌قام)، گاهی با یک نقطه (تصویر ۲، صفحه چپ، سطر ۴ از پایین: فز؛ تصویر ۳، صفحه راست، سطر ۸: فندق) و در بیشتر موارد بی‌نقطه

۱. اول بار استاد افشار، که زیراکس نسخه را در منزل بنده ملاحظه فرمودند، این نکته را به بنده تذکر دادند.

نوشته شده است. جالب این است که گاهی - آنگونه که در بسیاری از نسخ قدیم و جدید دیده می‌شود - کلمه واحد، در سطر یا بیت واحد، به دورسم الخط نوشته شده است. مثلاً در تصویر ۴، صفحه چپ، سطر سوم، کلمه فراز در آخر مصراع اول با سه نقطه (گردن فرار) و در آخر مصراع ثانی بی نقطه (بدرگه فرار) نوشته شده است.

کاف و گاف. در رسم الخط این نسخه، میان کاف و گاف تفاوتی دیده نمی‌شود. این که من سابقاً در مقاله‌ای که در جشن نامه استاد اسماعیل سعادت به چاپ رسید، نوشته بودم که در یک مورد بر سرکش گاف سه نقطه نهاده تا آن را از کاف متمایز کند، درست نیست و معلول بدخوانی من بوده است. سه نقطه‌ای که من علامت گاف پنداشته بودم، در واقع سه نقطه حرف چ در بیت پیشین است، که درست بالای این کاف قرار گرفته است.

که. کاتب همیشه این کلمه را مختوم به های غیر ملفوظ کتابت می‌کند و من در اوراقی که از این نسخه باقی مانده است، موردی که آن را مانند برخی از نسخ قدیمه مختوم به یا (به صورت کی) نوشته باشد نیافته‌ام. کیفیت این تصاویر به قدری بد است که در این مورد نمی‌توان با اطمینان خاطر سخنی گفت.

پیشوند نفی. پیشوند نفی گاهی از فعل جدا نوشته شده است (تصویر ۴، صفحه راست، سطر ۱۰: نه بینی به جای نبینی؛ همان، صفحه چپ، سطر ۱۲: نه جستی به جای نجستی) و گاهی متصل به فعل (تصویر ۳، صفحه چپ، سطر ۳: نکردی، همان، سطر ۶: ندید).

به. حرف اضافه به در اکثر موارد به کلمه بعد چسبیده است (تصویر ۴، صفحه چپ، سطر ۳ از پایین: برگستوانهای؛ تصویر ۵، صفحه راست، سطر ۴: بشادیش؛ و موارد بسیار دیگر) و اگر از چشم من پنهان نمانده باشد، موردی نیست که این حرف از کلمه بعد جدا نوشته شده باشد.

همزه. برای نمایاندن اضافه، بعد از های غیر ملفوظ معمولاً همزه کوچکی نوشته شده است (مثلاً تصویر ۱، سطر ۴ از پایین: پاره؛ همانجا، سطر آخر: کله؛ تصویر ۲، صفحه چپ، سطر ۱۰: خنده) و گاه پس از یایی که کسره اضافه دارد نیز همزه‌ای هست (تصویر ۷، صفحه راست، سطر ۷: تلخیء دارو) گاهی شناسه دوم شخص مفرد در افعال ماضی نقلی را نیز با همزه



مشخص می‌کند (تصویر ۵، صفحه چپ، سطر ۴: برگشته= برگشته‌ای، کشته= کشته‌ای).  
 هاء غیرملفوظ. کلمات مختوم به هاء غیرملفوظ را که به الف و نون جمع بسته شده‌اند،  
 به ندرت و به غلط با حفظ هاء می‌نویسد (تصویر ۲، صفحه چپ، سطر ۴: دیده‌گان به جای  
 دیدگان؛ تصویر ۳، صفحه راست، سطر ۲: زنده‌گانی به جای زندگانی؛ نیز همان سطر ۵: خسته‌گانیم  
 به جای خستگانیم؛ تصویر ۳، صفحه چپ، سطر دوم از پایین: ریده‌گان به جای ریدگان).  
 چه، که. هرچه را با هاء غیرملفوظ می‌نویسد (تصویر ۴، صفحه راست، سطر ۶ از پایین)، اما آنچه را  
 گاه آنج کتابت می‌کند (تصویر ۵، صفحه راست، سطر ۷) و نیز آنکه را گاهی اوقات آنک کتابت  
 می‌کند (تصویر ۱، سطر ۱۲) و گاهی اوقات آنکه (تصویر ۷، صفحه چپ، سطر ۴ از پایین).  
 تشدید. حروف مشدد را در بسیاری از موارد با تشدید نوشته است (مثلاً تصویر ۱، سطر ۵ از  
 پایین: کم و بیش؛ تصویر ۲، صفحه چپ، سطر ۴ از پایین: فر؛ تصویر ۲۳، سطر ۵ از پایین: صف و  
 موارد متعدد دیگر).

**ضمیر مخاطب جمع.** چنان که مرحوم یغمائی متذکر شده‌اند، ضمیر مخاطب جمع را گهگاه  
 (نه غالباً، آنگونه که استاد گمان برده‌اند) به صورت **سیت** کتابت کرده است (مثلاً تصویر ۸، صفحه  
 چپ، سطر ۱۱: بگوئیت؛ تصویر ۱۵، صفحه راست، سطر ۴: نتابیت؛ تصویر ۱۴، صفحه راست، سطر ۱:  
 مجوئیت؛ همان صفحه: بکوشیت؛ تصویر ۱۳، صفحه راست، سطر آخر: کاریش= کاریدش).

۶. علامت تنکیر را چنانکه مرسوم بسیاری از نسخ قدیم است با حرفی که به شکل همزه  
 است نشان می‌دهد (سراسر متن).

برخی رسم الخط‌های قدیم مثل خورشید به جای خورشید (تصویر ۱۴، صفحه دست چپ، سطر ۲  
 از پایین)، نیش به جای نوشت (تصویر ۱۸، صفحه راست، سطر ۱)، شست به جای شصت (تصویر  
 ۱۶، صفحه چپ، سطر ۱) را رعایت می‌کند؛ اما رقم ۱۰۰ را به حرف، همیشه با صاد می‌نویسد  
 (تصویر ۴، صفحه چپ، سطر ۳ و ۴ از پایین؛ نیز تصویر ۱۳، صفحه راست، سطر ۸: صد).

**شاهنشاه** را به صورت **شهان‌شاه** نوشته است (تصویر ۵، صفحه راست، سطر ۱). **سپهد** را یک  
 بار در تصویر ۱۷ (صفحه راست، سطر ۱) به صورت **سپه** بد نوشته است. یک جا هم ظاهراً کلمه

داشتند را احتمالاً به دلیل اشتباهی که معمولاً به آن اشتباه سمعی می‌گویند، به صورت داشتن نوشته است (تصویر ۱، سطر ۱۳). در مورد اینگونه اشتباهات باید به خاطر داشت که اینها همیشه معلول این نیست که کسی متن را بر کاتب می‌خوانده است تا او کتابت کند، بلکه اشتباهی است که اگر خود کاتب هم به هنگام کتابت، متن را چه بلند و چه در ذهن بخواند، ممکن است مرتکب شود.<sup>۲</sup> در همین چند صفحه‌ای که از این کتاب یا مجموعه باقی مانده است، برخی مفردات قابل توجه مانند شیراوژن = شیراوزن/اوژن (تصویر ۴، صفحه چپ، سطر ۵)؛ خیره‌ناک (همان، سطر ۶) هم دیده می‌شود.

\* \* \*

چون عکس اوراق این نسخه به همراه استنساخ من از متن آن چاپ می‌شود، احتیاجی به پیروی از رسم الخط دستنویس ندیدم، و اگرچه کلماتی را که در نسخه مشدد نوشته شده‌اند با تشدید نوشته‌ام، در دیگر موارد نظرم به آسان‌خوانی بوده است. بنابراین حروفی را که در نسخه بی‌نقطه نوشته شده‌اند، منقوط کرده‌ام؛ اما هرگاه تذکر نکته‌ای در مورد نقاط حروف یا پیوسته و جدا نوشته شدن آنها در نسخه خطی لازم بوده است در زیرنویس اشاره کرده‌ام. ابیاتی را که با متن چاپی مرحوم یغمائی متفاوت بوده‌اند، به ترتیب صفحه، شماره بخش، و شماره بیت در چاپ آن مرحوم نمره‌گذاری کرده‌ام تا خوانندگان بتوانند آن را در گرشاسب‌نامه مرحوم یغمائی پیدا کنند. کلمات و مصراع‌هایی را که در نسخه خطی از بین رفته یا برای نگارنده قابل خواندن نیستند، در میان چنگک ([ ]) نهاده‌ام. اما هرگاه بخشی از کلمه باقی مانده بوده، آنچه را که محو شده بوده میان چنگک گذاشته‌ام. مثلاً اگر نوشته باشم چ[هر] یعنی از کلمه چهر فقط حرف چ مانده بوده و بقیه را یا خود به قیاس خواننده‌ام، و یا از متن مرحوم

2. Metzger, Bruce M. and Ehrman, Bart, D. *The Text of the New Testament, Its Transmission, Corruption, and Restoration*, 4<sup>th</sup> edition, Oxford: Oxford University Press, 2005, pp. 254 – 55: “When scribe made copies from dictation or even when a solitary scribe pronounced aloud the words being transcribed, confusion would sometimes arise over words having the same pronunciation as others but differing in spelling (as the English words, *there* and *their* or *grate* and *great*).” Compare also, M. L. West, *Textual Criticism and Editorial Technique*, Stuttgart: B. G. Teubner, 1973, p.20.

یغمائی افزوده‌ام. بخش از دست‌رفته ابیاتی که از آنها فقط یک مصراع یا بخشی از بیت مانده است را نیز از روی متن چاپی در میان چنگک نقل کرده‌ام، ولی هرگاه مطمئن بوده‌ام که متن نسخه، علی‌رغم اینکه مرکبش پاک شده یا صدمه دیگری دیده، به قرائنی با چاپ مرحوم یغمائی نمی‌خواند، یا به حدس خوانده‌ام یا اگر نتوانسته‌ام بخوانم در میان چنگک نقطه‌چین گذاشته‌ام، به امید این که از فضیلتی وطن کسی آن را تواند خواند. موارد اختلاف گرشاسب‌نامه مرحوم یغمائی با این نسخه در حاشیه ضبط شده است؛ اما هرگاه حرف یا کلمه‌ای در چاپ مرحوم یغمائی نبوده است، آن حرف یا کلمه را میان دو زاویه (<>) گذاشته‌ام. بنابراین هر جا نوشته‌ام < و >، منظورم این است که گرشاسب‌نامه چاپی در آن بیت حرف واو را ندارد.



متن اشعار

### تصویر ۱ چپ.

<p>که آید درو خوب و زشتی پدید<sup>۱</sup>          [که را کوفت غم مومیانی می است]          [پدید آرد از روبهان کار شیر]          [کند سرخ‌لاله رخ زرد را]          [بفروت زور جوانی دهد]          [ز تن ماندگی‌ها بیرون کند]          [بدان بُد که تا ماندگی بفگنم]          [مهر بر بیش و کم کژ و راست]          [نه گفتن کزین کم خور و زان فزون]          [پزشگی نه خوب آید از میزبان]          [که اینست جمشید خورشیدچهر]          [که فرمان ضحاک جست از جهان]          [بدیا و دیوارها بر نگار]          [گر آید بدانند و گیرند زود]          [که جم را چه آمد ز ضحاک پیش]          [نگاریده جمشید بر تار و پود]          [چنین تا ز خوان اسپری گشت باز]          [بشستند دست و نشستند کش]          [ز بگماز و رامش گرفتند کار]</p>	<p>گهر چهره شد آینه شد نباید          دل تیره را روشنائی می است          بدل می‌کند بددلانرا دلیر          برادی کشد زفت<sup>۲</sup> بدمرد را          ۵ بخاموش چیره‌زبان‌ی دهد          خورش را گوارش می افزون<sup>۳</sup> کند          بدم مانده راه<sup>۴</sup> می خوردنم          تو می ده مگو کین چه‌سان وان چراست          خورش باید از میزبان گونه‌گون          ۱۰ اگرچه بود میزبان خوش‌زبان<sup>۵</sup>          هم آنکه گمان برد دختر ز مهر          بدان روزگار آنک بد<sup>۶</sup> از شهان          همه چهر جم داشتن<sup>۷</sup> آشکار          بدان تا هر آنجا که پیکرش بود          ۱۵ همین دلبر آگه بد از کم<sup>۸</sup> و بیش          بدش پاره پرنیان کبود          پژوهش<sup>۹</sup> همی کرد و نگشاد<sup>۱۰</sup> راز          ازان پس باب گل و بوی خوش          هم اندر بر کله<sup>۱۱</sup> زرنگار</p>
---	---

۸. ۱۳۸/۱۲/۲۸. در دستنویس حاضر کم با تشدید روی  
 میم نوشته شده است.  
 ۹. ۱۴۰/۱۲/۲۸. در دستنویس حاضر حرف ژ با سه نقطه،  
 اما پ بی نقطه کتابت شده است.  
 ۱۰. حرف یکم نقطه ندارد.  
 ۱۱. ۱۴۲/۱۲/۲۸: هم اندر زمان بر کله.

۱. ۱۰۴/۱۲/۲۷.  
 ۲. ۱۲۷/۱۲/۲۸: زفت و.  
 ۳. ۱۲۹/۱۲/۲۸: افزون.  
 ۴. ۱۳۰/۱۲/۲۸: راه و.  
 ۵. ۱۳۳/۱۲/۲۸: خورش گر بود میهمان را زیان.  
 ۶. ۱۳۵/۱۲/۲۸: آنکه بود.  
 ۷. ۱۳۶/۱۲/۲۸: داشتند.

لهجوه شد اسرار مست  
دل تنه ولاد و متاری است  
بدل و کلبه بد دل را دلید  
براد کی کرد و بد مرد را  
لحا و حبه زبانی دیند  
خورشید را زاری افرو کیند  
بدم مایه راه می خورد دینم  
و می نماند کجایان و کجایان  
خورشید از میان کور کور  
آرزو در میان خور زبانی  
همه کارگان بود در حتر و هر  
بدان روزگار آید از بهمان  
همه هر دم داسس اسکار  
بدان تا صد لحظه نکوس بود  
همه دل را بد از کم و بیش  
بدین باره دندان کسوف  
برویش می کرد و کسار از  
از آن پس با کف و لوی خوش  
همه اندر بگذر ز زر و سار

تصویر ۲ راست.

<p>ره و رنگ با چامه<sup>۱</sup> زاولی                  بخندید جام<sup>۲</sup> و بنالید زیر                  طرازی-بتان طرازیده-موی                  [بشم]شاد مشک و بیجاده بوش<sup>۳</sup>                  چه با عود و مجمر چه با خام<sup>۴</sup> و چنگ                  نیموده بد شاه با ماه جام                  بدیوار باغ آمد از شاخ سرو                  بکشی کرشمه-کن و جلوه-گر                  چو[ نایی دم اندر گلو ساخته                  چو یاری لب یار گیرد بگاز                  ز بس ناز آن دو کبوتر بهم]                  [شاهنگ] در میم دو نیم کرد                  بجم گفت کای مایه-ور<sup>۶</sup> میهمان                  کدامست رایت بدوزم<sup>۷</sup> بتیر                  که از تو سخن زین به اندر خورد<sup>۸</sup>                  ترازو خرد سازش و سخته گوی                  ز من باید انجام<sup>۹</sup> [فرهنگ جست]                  همان نیم-مردست هرچون که هست                  نکوتر<sup>۱۰</sup> هنر پارسائست بس</p>	<p>[برآورد رامشگر کابلی] ۲۰                  [هوا ابر بست از بخور عبیر]                  [پرستار صف زد دوصد ماهروی]                  [همه طوق دار و همه حله پوش]                  [چه با ناز و شادی چه با بوی و رنگ]                  [هنوز از زمانی فزون شادکام] ۲۵                  [که جفتی کبوتر چو رنگین تذر]                  [نر و ماده کاوان ابر یکدیگر]                  [فروهشته پر گردن افراخته                  [بهم هر دو منقار برده فراز]                  [پریخ بشرم آمد از روی جم] ۳۰                  [بخنده لبان نقطه میم کرد                  [ز ترک چگل خواست چینی کمان]                  [ازین دو کبوتر شده جفت گیر]                  [چنین پاسخ آورد جم کز خرد]                  [از آهو سخن پاک و پردخته گوی] ۳۵                  [تو هستی زن و مرد من پس نخست]                  [زن ارچه دلیرست و بازوردست]                  [زنان را ز هر خوبی و دسترس]</p>
---	--

۶. ۱۵۵/۱۲/۲۹: نامور؛ در متن دستنویس کلمه‌ای که من «مایه‌ور» خوانده‌ام «بارور» نیز خوانده می‌شود، اما پس از بزرگ کردن بر صفحه کامپیوتر به نظر همین قرأت «مایه‌ور» درست است.

۷. ۱۵۶/۱۲/۲۹: که دوزم.

۸. ۱۵۷/۱۲/۲۹: بدو گفت جمشید کای کش خرام/ نزیید ز تو این سخنهای خام؛ مرحوم یغمائی در زیرنویس این بیت، ضبط نسخه م را چنین آورده است: چنین پاسخ آورد جم کز خرد/ گشایی سخن زین به اندر خورد.

ضبط مصراع یکم درین نسخه هرچه که باشد به ضبط نسخه م نزدیک است و به همین خاطر مصراع یکم م درین موضع نوشته شد.

۹. ۱۵۹/۱۲/۲۹: انداز.

۱۰. ۱۶۱/۱۲/۲۹: فزونتر.

۱. ۱۴۳/۱۲/۲۸: ازین بیت تا نوزده بیت مصراع یکم از بین رفته است؛ یغمائی: زورود با خامه؛ به نظر من چامه از خامه مناسب‌تر است؛ «ره و ربک» در دستنویس بی نقطه نوشته شده است و می‌توان آن را «ره و رنگ» و «زه و رنگ» هم خواند.

۲. ۱۴۴/۱۲/۲۸: بم؛ کلمه «جام» در دستنویس بی نقطه نوشته شده است.

۳. ۱۴۶/۱۲/۲۹: نوش؛ حرف یکم این لغت در دستنویس نقطه ندارد.

۴. ۱۴۷/۱۲/۲۹: نای.

۵. ۱۵۰/۱۲/۲۹: یکدیگر؛ این ضبط در متن مرحوم یغمائی غلط چاپی است، زیرا مصراع با «یکدیگر» وزن ندارد و باید «یکدگر» خواند. چون مرحوم یغمائی خود شاعر زبردستی بود این غلط از او نمی‌تواند باشد.



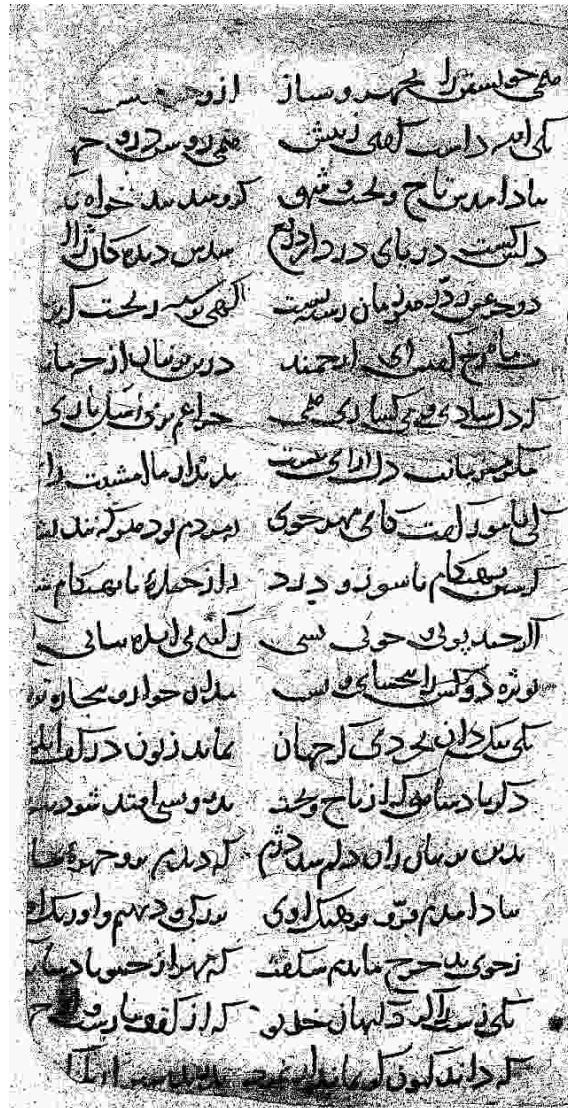


## تصویر ۲ چپ.

<p>ازو جز بجنبش [ندانست باز]<sup>۱</sup>  همی<sup>۳</sup> روشن درو چهلر خویش  کزو شد بیدخواه<sup>۵</sup> نا[گه تهی]  شدش دیده‌گان<sup>۶</sup> ژا[له بارنده میغ]  گهی بر شبه ریخت<sup>۸</sup> گه بر [جمست]  درین پرنیان از چه مان[دی نژند]؟  چرا غم بری اشک<sup>۱۱</sup> باری [همی]  بدیدار<sup>۱۱</sup> ما امشب را[ی نیست]  نه مردم بود هرکه نندیش[د او]  به از خنده نابهنگام س[رد]  ز گیتی بی‌انده نیایی ک[سی]  مدان خوار و بیچاره‌تر ز[این دو کس]  بماند زبون در<sup>۱۵</sup> کف ابل[هان]  بدرویشی افتد شود ش[وربخت]  که دیدم برو چهره شاه جم  بزرگی و دیهیم و اورنگ او[ی]  که مهر از چنو پادشا<sup>۱۸</sup> ب[رگرفت]  که از کفت<sup>۲۱</sup> مارست و از چهلره دیوا  بدرید شیر ار پلنگ[ش ببر]<sup>۲۲</sup></p>	<p>همی خویشتن را بچهر و بساز  یکی آینه داشت گفتمی ز پیش<sup>۲</sup>  بیاد آمدش تاج و تخت و شهی  دلش گشت دریای درد ار<sup>۶</sup> دریغ  دو جزعش ز دژ هر زمان رشته بست  بت ماهرخ گفتش ای<sup>۹</sup> ارجمند  که دلشادی و می گساری همی  مگر میزبانیت دل ارای نیست؟  کی نامور گفت کای مهرجوی<sup>۱۲</sup>  گرستن بهنگام با سوز و درد  اگرچند پویی<sup>۱۳</sup> و جویی بسی  بویژه<sup>۱۴</sup> دو کس را ببخشای و بس  یکی نیک‌دان بخردی کز جهان  دگر پادشاهی که از تاج و تخت  بدین<sup>۱۶</sup> پرنیان زان دلم شد دژم<sup>۱۷</sup>  بیاد آدم فرّ و فرهنگ او  ز خوی بد چرخ ماندم شگفت  یکی زست<sup>۱۹</sup> را کرد کیهان<sup>۲۰</sup> خدیو  که داند کنون کو بماند ار بمرد</p>
--	--

نوشتن «دیدگان» به صورت «دیده‌گان» و «خانگیان» به صورت «خانه‌گیان» و امثالهما کم نیست. درین دستنویس همه جا جمع کلمات مختم به های غیر ملفوظ را که در آن ها به گاف تبدیل می‌شود، با حفظ ها نوشته است.  
۸. ۲۰۴/۱۲/۳۲: ریخت و.  
۹. ۲۰۵/۱۲/۳۲: فغ ماهرخ گفتمی کای؛ کلمه ماهرخ در نسخه جدا نوشته شده است: ماه رخ.  
۱۰. ۲۰۶/۱۲/۳۲: غم خوری واشگ؛ ضبط مصراع یکم این بیت: «که دلشادی و می گساری همی» هم در دستنویس ها و هم در طبع مرحوم یغمائی محل اشکال است. صورت صحیح باید «گه شادی و می گساری همی» باشد، که به صورت «گه شادی و می گساری کذا» فقط در یکی از نسخ پاریس آمده است و لاغیر.

۱. ۲۰۰/۱۲/۳۱.  
۲. ۲۰۱/۱۲/۳۱: بییش.  
۳. ۲۰۱/۱۲/۳۱: همی دید؛ این مصراع در دستنویس وزن ندارد، چون لغت «دید» را جا انداخته است.  
۴. ۲۰۲/۱۲/۳۱: > و.  
۵. ۲۰۲/۱۲/۳۱: کرد بدخواه؛ صورت صحیح باید «کزو شد ز بدخواه ناگه تهی» باشد، یعنی: توسط بدخواه ازو خالی شد.  
۶. ۲۰۳/۱۲/۳۲: از؛ البته ضبط نسخه هم ممکن است «از» باشد که بی نقطه نوشته شده است؛ اما احتمال درد «ار دریغ» به معنی «درد یا دریغ» را هم نمی‌توان فرو نهاد، با اینکه چنگی هم به دل نمی‌زند.  
۷. ۲۰۳/۱۲/۳۲: دیدگان؛ در دستنویس های قدیم غلط



۱۱. ۲۰۷/۱۲/۳۲ : بنزدیک.  
 ۱۲. ۲۰۸/۱۲/۳۲ : ماهروی.  
 ۱۳. پ را با سه نقطه نوشته است؛ در مصراع دوم، دم پای «کسی» که به صورت «ے» نوشته شده و سرکش «ک» آن پیداست.  
 ۱۴. ۲۱۱/۱۲/۳۲ : تو ویژه.  
 ۱۵. ۲۱۲/۱۲/۳۲ : زیون افتد اندر.  
 ۱۶. ۲۱۴/۱۲/۳۲ : ازین.  
 ۱۷. حرف «ژ» در کلمه «دژم» با سه نقطه نوشته شده است.  
 ۱۸. ۲۱۶/۱۲/۳۲ : چنان شه چرا؛ سرکش کلمه گرفت هم در عکس دیده می شود.  
 ۱۹. ۲۱۷/۱۲/۳۲ : زشت؛ اما من در اینجا «زست» به ضم یکم و به معنی «تندخوی، درشت، گستاخ» می خوانم؛ نک. علی رواقی، ذیل فرهنگ های فارسی، ص ۴۷۰؛ همو، واژه های ناشناخته در شاهنامه، دفتر یکم، ص ۲۶-۲۷.  
 ۲۰. ۲۱۷/۱۲/۳۲ : گیتی.  
 ۲۱. ۲۱۷/۱۲/۳۲ : کتف. این واژه در نسخه دستکاری شده و «کتف» هم خوانده می شود.  
 ۲۲. ۲۱۸/۱۲/۳۲

## تصویر ۳ راست.

۶۰ [فزون زان ست]م نیست برد[... کی (؟)'  
[بر بخرد]ان مرگ والاسران  
[ولیکن چنین]ست چرخ از نهاد  
[زمین هس]ات آماج گاه زمان  
[ز زخمش هم]ه خسته گانیم<sup>۳</sup> زار  
[بگفت این] و شد بر رخ اشکش ز درد  
[برخ د]لبر از درد شد چون زیر  
[ز بادا]م سرمه بمرجان خرد  
[هرانک]س که پیرامنش بد براند

۶۵  
۷۰  
۷۵  
نیایش کنان گفت کای شاه راست  
که هستی تو جمشید فرخ نژاد  
ببند هوای تو دل بسته ام  
برین پرنیان غم گسار منست  
که روزی بود دیدنت روزیم  
بآیین خود جفت گیری مرا  
کنم خاک تن تا بیی بسپری  
ستاره همی ریخت بر گردماه  
نیم من و گر مانم او را رواست<sup>۱۱</sup>

هم دیده می شود، و به قول جناب دکتر خالقی، ترجیح فردوسی این بوده که هر کجا وزن اجازه دهد صورت پر «از» را به جای صورت مخفف «ز» به کار برد. درین نسخه هم همین طورست و ظاهراً این کاربرد را می توان از علائم قدمت نسخه دانست، به شرط این که در یک مطالعه آماری در دیگر نسخ منظوم نیز دیده شود.  
۱۱. از طرف دیگر این صفحه، متن می پرد به صفحه ۲۰۳ طبع مرحوم یغمائی، و چنان که عرض شد بدون دیدن نسخه نمی توانم بگویم چرا. اما معلوم است که چون این اوراق را در ساختن مقوای جلد کتاب دیگری به کار برده بوده اند، ترتیب خاصی در آنها نیست و حتی پشت و روی اوراق را نیز نمی توان از روی عکس به درستی تشخیص داد، مگر در برخی موارد.

۱. ۲۱۹/۱۲/۳۲: این دو کلمه به دشواری خوانده می شود و در هر حال مصراع وزن و قافیه ندارد.  
۲. ۲۱۹/۱۲/۳۲: که درد از فرومایه بایدش خورد.  
۳. ۲۲۳/۱۲/۳۳: خسته گانیم و.  
۴. ۲۲۶/۱۲/۳۳: ریخت و.  
۵. ۲۲۷/۱۲/۳۳: خود.  
۶. پس ازین بیت در اصل نسخه به اندازه یک بیت میان این بخش و بخش بعد فاصله داده است و این فاصله در اثر افتادگی نیست، بلکه برای جدا کردن مطالب است.  
۷. ۲۲۹/۱۲/۳۳: راز.  
۸. ۲۳۰/۱۲/۳۳: دیربست.  
۹. ۲۳۲/۱۲/۳۳: > و.  
۱۰. ۲۳۵/۱۲/۳۳: وز. این نحوه کاربرد «از» به جای صورت کوتاه تر «ز» در نسخه های قدیم شاهنامه



تصویر ۳ چپ.

بستی درو چشم<sup>۱</sup> چشمه ز گرد  
 گه از ریگ کوهی برافراستی  
 ازو جز بسالی نکردی گذار  
 سپه برد و برداشت ره پهلوان  
 چون<sup>۳</sup> آمد براسود لختی ز رنج  
 ندید اندران بوم یک پی تهی  
 بد آب خوش و چشمه<sup>۴</sup> و کشتمند  
 گله ساخته زاشتران کاروان  
 بیایم کنم شهری این جایگاه  
 بگیرم شهی تا بکابلستان  
 سوی بصره و بادیه درکشید  
 که ناورد جایی زمانی درنگ  
 پر از چشمه و بیشه و مرغزار  
 همه شاخها دست داده بدست  
 چو بگذشت ازو پهلوان شادکام  
 پر از میوه گردش یکی باغ دید  
 درون رفت تا رخ بشوید ز گرد  
 رهی چند استاده بر در<sup>۱</sup> بپای  
 بده [گهب]د و خویش ضحاک بود

زمان تا زمان باد هامون نورد  
 گر از [شوره] شیبی بینباشتی  
 اگر اسپ گردون بدی مه سوار  
 بچونین بیابان و ریگ روان  
 چنین تا بدانجا که خوانی رنج<sup>۲</sup> ۸۰  
 ز خرماستانها و بید و بهی  
 [دو من]زل زمین تا لب هیرمند  
 [زده خیمه]ه گردش بسی ساروان  
 [خوش آمد]ش گفتا چو از نزد<sup>۵</sup> شاه  
 [کزین باز]گردم<sup>۶</sup> بزاولستان ۸۵  
 [وزانجا] بکرمان ره اندر<sup>۷</sup>کشید  
 [هم]ی رفت تا زی دز<sup>۸</sup> هوخت گنگ  
 همه بادیه بد بدان روزگار  
 [درخت]ان ز هر گونه فرسنگ شست  
 ز خوشی بدش مینوآباد نام ۹۰  
 بره در<sup>۹</sup> یکی خوش ده و راغ دید  
 بیاغی تماشاکنان گرد گرد  
 همی گشت با ریدهگان سرای  
 خداوند رز تند و ناباک بود

۸. ۳۵/۷۵/۲۹۳: همی رفت تا نزد؛ چون این نسخه تقریباً همیشه نقاط حرف «ژ» را می‌گذارد، معلوم می‌شود که صورت درست کلمه «دز» با زاء فارسی است، نه با زی که در واقع از گونه پارتی کلمه به وام گرفته شده است.  
 ۹. ۳۹/۷۵/۲۰۳: بر.  
 ۱۰. ۴۱/۷۵/۲۰۴: رزی چند دیدند آنجا.

۱. ۲۴/۷۵/۲۰۳: چشم و.  
 ۲. ۲۸/۷۵/۲۰۳: زرنج.  
 ۳. ۲۸/۷۵/۲۰۳: چو.  
 ۴. ۳۰/۷۵/۲۰۳: بیشه.  
 ۵. ۳۲/۷۵/۲۰۳: پیش.  
 ۶. ۳۳/۷۵/۲۰۳: بار بندم.  
 ۷. ۳۴/۷۵/۲۰۳: وز آنجا دگر باره ره بر.



تصویر ۴ راست.

<p>بران چاکران بانگ برزد بخشم کدام ابله و گرچه این در گشاد؟ که اکنون بیندازمش گوش و دم زبونی ز من دست‌خوشر نیافت کند بچه‌خرگوش بر پشت شیر؟ همی دست با چرخ سایب بزور که سرت او تواند بریدن ز دوش زبان باری از سرد گفته[ن بیند] نکو گوی باری که دشوار نیست] نه‌بینی که گیتی پر از لشک[رست]؟ جهانرا جز از شه نگهدار نیست] چه نا گوهری دزد و چه گوهری فکنندن همی خواست گوش سمند بگفت و بیامد سپهدار [تفت] برآشفت و زایشان یکی را ربود گرفت آنگهی ریش گهبد بمشت همه ده بتاراج و آتش سپرد همه کشت و زان پس<sup>۷</sup> سوی شه شتافت ز درد جگر خاک بر سر فشاند</p>	<p>۹۵ خبر یافت آمد دژم‌کرده چشم که ره سوی این رز شما را که داد؟ که بست ایدرین باره سنگ‌سم؟ ز چندین رزان راست ایدر شتافت ندانند که باداد شاه دلیر یکی گفت کای ابله روزکور ۱۰۰ تو چون افگنی<sup>۱</sup> زاسپ آن دم و گوش<sup>۲</sup>؟ بدل‌گرمی ار نکنی از روی بند<sup>۳</sup> گرت نیکی از روی کردار نیست سپهدار شاهست آنک ایدرست براشفت و گفتا سپهدار کیست؟ ۱۰۵ چو دزدیده شد چیز بی داوری بزد بر سر مرد ناریده<sup>۴</sup> چند رهی جست<sup>۵</sup> و با پهلوان هرچه رفت بران روستائی گره هرکه بود بزد بر دو تن هر سه تن را بکشت ۱۱۰ سرش کند و زیر لگد<sup>۶</sup> کرد خرد که و مه ز پیوند او هرکه یافت ز خویشان گهبد برادرش ماند</p>
---	--

۱. نظرم «بند» به معنی «حیله، تزویر» اینجا بهتر مفید  
معنی است و با «ببند» در مصراع ثانی هم جناس  
ناقصی تواند داشت.  
۲. ۵۵/۷۵/۲۰۴: تازانه. قرائت این کلمه در متن بر من  
روشن نیست، اما مسلم است که ضبط این نسخه،  
درست یا غلط، هرچه باشد «تازانه» نیست.  
۳. ۵۶/۷۵/۲۰۴: رفت.  
۴. ۵۹/۷۵/۲۰۴: در زیر پی.  
۵. ۶۰/۷۵/۲۰۵: زانجا.

۱. ۴۹/۷۵/۲۰۴: بگنی.  
۲. ۴۹/۷۵/۲۰۴: در اصل «گوش و دم» نوشته بوده، اما  
روی «دم» را خط زده و به «دم و گوش» تصحیح کرده  
است. همچنین ممکن است که روی نون «آن» را هم  
خط زده باشد و آن را به «او» بدل کرده باشد، به صورتی  
که واو عبارت «دم و گوش»، کار واو ضمیر «او» را هم  
بتواند کرد؛ اما درست معلوم نیست.  
۳. ۵۰/۷۵/۲۰۴: پند. این کلمه در نسخه ما بی‌نقطه نوشته  
شده و هم «بند» و هم «پند» خوانده می‌شود؛ اما به



۹۷

خسناو ایستد تم گون چشم	۱۹۹	برای حالان ماند روزی چشم
اره سوی او روزی سارا ار داد		لوام ایله و عجز ار در انساد
انندید بران سستک مسم		الاور سستک زینت و مسم
رحمد بران بران ایله سستک		روز زینت دست جو سستک
نراند ماد از شاه دلست		کدیج خورشید و سستک
کلی کو کالی ایله روز کور		میج سستک جیح سستک
بوجون اولو ران کور و مسم		کدیج او اولو کور و مسم
یدالری از سستک ایله روزی مند		زبان ماری ایله سستک
کدیجی از روزی ار در ایست		تکوی ماری کدیجی
سیدار سستک ایله ایست		زینت کدیجی از سستک
براسته و لغاس سستک ایست		چهار از اجاز سستک
خرد در دین سستک ایست		خمال سستک ایست
بر در سستک ایست		قلون سستک ایست
ره سستک ایست		تکوی سستک ایست
مال روز سستک ایست		براسته و لغاس سستک
بر در سستک ایست		از سستک ایست
سستک ایست		معدن سستک ایست
کور و سستک ایست		معدن سستک ایست
زخو سستک ایست		زدر سستک ایست



۴۴  
مزدک سوزید در آخواب کجا در سرور در کاه ساه  
بر خطه در حال و در یاد کرد روزها در سران یاد کرد  
دوره در سرور که در فرزان همان تا شاید در لا فرار  
مان کبر و در می یاد آن که چون در سام ساه این  
سوزید از سر تعلیم سوزید و این حوی سوزید و خیم  
جای در از هلوان خیره نال که در در حال یاد نال  
در آرد و کسور در سوزید که در کسور و این سوزید  
یکی در آن سوزید کاه زود بازان که در آن او کسور بود  
ساره شریف را در سهره در کسور بود از زوه کسور بود  
که در همان سالی رفت در حوی در آن کسور بود  
در آرد در کسور کار سخت بر آرد و سوزید کسور سخت  
و آن در سوزید روی با آراوی که حوی در سوزید که آراوی  
بوی کسور سوادمان در آرد در آن کسور کسور سواد آرد  
حون آمد سوزید کسور دوزه واه که حوی در سوزید کسور سواد  
دو در آن کسور کسور کسور که حوی در سوزید کسور سواد  
حوی در سوزید کسور کسور که حوی در سوزید کسور سواد  
دو در سوزید کسور کسور که حوی در سوزید کسور سواد  
در باور سوزید کسور کسور که حوی در سوزید کسور سواد

تصویر ۵ راست.

<p>که او برنشست<sup>۱</sup> شهبان شاه بود فرستاد با سازهای شگرف پیاده خرامند پیش سران بشادیش بنشانند بر تخت خویش نوازید هرگونه افزود<sup>۲</sup> مهر جهان پهلوان کرد پیشش نثار سه ساله همه یاد کرد آنچ دید فرستادن هدیهها کرد ساز کشیدند هر چیز بیش از دو ماه بید کاخها تنگ و آگنده<sup>۶</sup> گنج دل شاه و لشکر همه خیرخیر<sup>۷</sup> همی بود گهبد در انده نوان سیه در بر و جامه<sup>۱۰</sup> پر خون و خاک ز بیمت<sup>۱۱</sup> نیاید برون<sup>۱۲</sup> پیش شاه دراویز ازو دست و فریاد بر رسانم ستانم ازو داد تو</p> <p>ستاره گرفت از سپیده گریغ [چو سوگی کش آلوده دامن بخون]<sup>۱۵</sup></p>	<p>دگر زنده پیل دژاگاه بود بدیدار و بالا چو کوهی ز برف بفرمود تا برنشند بران تیره ز نانشان فرستاد پیش بپرسید بسیار و بوسید چهر نخست آن<sup>۳</sup> گهرها که بد سی هزار زمین بوسه داد آفرین گسترید از<sup>۴</sup> آنجا سوی کاخ شد شاد باز همه روز تا شب همی<sup>۵</sup> پیش شاه چنین تا کشنده سته شد ز رنج شمارنده شد سست و مانده دبیر نیامد برون این<sup>۸</sup> دو مه پهلوان ز سوگ<sup>۹</sup> برادر دلش گشته چاک بدو گفت شیروی کو این دو ماه ولیکن چو فردا بیاید بدر که من پیش شه<sup>۱۳</sup> آنگهی یاد تو</p> <p>چون آهخت بر چنگ<sup>۱۴</sup> شب روز تیغ شد از جنگشان گنبد نیلگون</p>	<p>۱۳۵</p> <p>۱۴۰</p> <p>۱۴۵</p> <p>۱۵۰</p>
--	---	---

۱۳. ۹۶/۷۵/۲۰۶: شاه؛ پس ازین بیت در متن فاصله گذاشته تا مطالب را جدا کند.  
۱۴. ۹۷/۷۵/۲۰۶: چو آهخت بر چنگ؛ حرف اول کلمه «چنگ» را صریحاً و واضحاً سه نقطه داده است. اما بقرینه بیت بعد مسلماً صورت درست همان «جنگ» است که در بیشتر نسخ دیگر آمده و با مضمون بیت هم مناسبت بهتری دارد.  
۱۵. ۹۸/۷۵/۲۰۶: چو سوگی برآلوده دامن بخون؛ با این که بیشتر این مصراع از بین رفته، اما از سرکش های «سوگی» و «کش» که در آغاز مصراع مانند مدّه حرف «آ» معلوم است، می توان حدس زد که متن همین بوده که بنده نوشته ام؛ زیرا این کاتب دو سرکش دو کاف یا دو گاف را که نزدیک هم قرار گیرند، در هم ادغام می کند و مانند مدّه حرف آ می نویسد.

۱. ۸۱/۷۵/۲۰۶: ویژه نشست.  
۲. ۸۵/۷۵/۲۰۶: و افزود.  
۳. ۸۶/۷۵/۲۰۶: از.  
۴. ۸۸/۷۵/۲۰۶: وز.  
۵. ۸۹/۷۵/۲۰۶: همه.  
۶. ۹۰/۷۵/۲۰۶: سرکش گاف را در کلمه «آگنده» طوری گذاشته که کار مدّه آ را هم بکند.  
۷. ۹۱/۷۵/۲۰۶: خیره خیر.  
۸. ۹۲/۷۵/۲۰۶: آن.  
۹. ۹۳/۷۵/۲۰۶: سوز.  
۱۰. ۹۳/۷۵/۲۰۶: جامه بر تنش.  
۱۱. ۹۴/۷۵/۲۰۶: بیمم.  
۱۲. ۹۴/۷۵/۲۰۶: نیامد همی.



تصویر ۵ چپ.

چون آمد بنزدیک درگه فراز  
 خروشید و غلطید بر خاک پست  
 بدو گفت کز تست بر من ستم  
 بده مر برادر مرا<sup>۲</sup> کشته  
 کشد گوسفندان<sup>۳</sup> چه او و چه گرگ  
 گره زد بر ابرو<sup>۴</sup> و برتافت چشم  
 کسی از شما زنده ماندست نوز؟  
 سر از تن بینداختش بیست گام  
 کزین پس فرستم بهرجای مرد  
 وگر بر گاه<sup>۵</sup> شاه دارد نشست  
 همی گفت شاه جهان جوی را  
 که در پیش تخت تو ریزند خون  
 شود زود ازو تخت شاهی تهی  
 دلیری کند بیشتر بر گناه  
 بیچد سر هرکس از راستی  
 نشاید که بر شه دلیری کند  
 مگر پادشاهی که تنها نکوست  
 بدو پهلوان هرچه<sup>۶</sup> بد بازگفت  
 بران کار گهبد گوا کرده بود

پدیدار شد آن<sup>۱</sup> یل سرفراز  
 بزد گهبد اندر عنانش دو دست  
 برسید یل کز که گشتی دژم؟  
 توی کز ره داد برگشته  
 شبانی که او با<sup>۲</sup> رمه شد سترگ  
 یل پهلوان چون شنید این ز خشم  
 چنین گفت کای پشت بخت<sup>۳</sup> تو کوز  
 مه چرخ کین برکشید از نیام  
 بچرخ و مه و مهر سوگند خورد  
 کشم هرچه زین تخمه آرم بدست  
 چو شد پیش شه دید شیروی را  
 بدین سان بیکبار<sup>۴</sup> گشتی زبون  
 هران شاه کو خوار دارد شهی  
 گنه کار چون بد نه بیند ز شاه  
 چو در داد شاه آورد کاستی  
 رهی بر<sup>۵</sup> هنر گرچه چیری کند  
 همه کار شاید بهمباز<sup>۶</sup> و دوست  
 برسید شاه این سخن را<sup>۷</sup> نهفت  
 ازان ده [دو تن با خود آورده بود]

۷. ۱۰۸/۷۵/۲۰۷: خود بر؛ باز درین مصراع هم همزه  
 به جای کسره اضافه به کار رفته است.  
 ۸. ۱۱۰/۷۵/۲۰۷: کزینسان بیکباره.  
 ۹. ۱۱۴/۷۵/۲۰۷: از.  
 ۱۰. ۱۱۵/۷۵/۲۰۷: بانبا.  
 ۱۱. ۱۱۶/۷۵/۲۰۷: آن سخن ها.  
 ۱۲. ۱۱۶/۷۵/۲۰۷: آنچه.

۱. ۹۹/۷۵/۲۰۷: بدیدار شه شد.  
 ۲. منظور از «برادر مرا» همان «برادر مرا» است که سرهم نوشته.  
 ۳. ۱۰۳/۷۵/۲۰۷: بر.  
 ۴. ۱۰۳/۷۵/۲۰۷: گوسفندان.  
 ۵. ۱۰۴/۷۵/۲۰۷: ابروی.  
 ۶. ۱۰۵/۷۵/۲۰۷: سخت. اما به اقرب احتمالات این  
 غلط چاپیست که در متن مرحوم یغمائی راه یافته است.

۴۵  
دیدارستان ملک مستقر از خون آمد سر دینار و افراز  
برد که در آن روز عمارت در دست خردم و غلط در حال است  
میدید که آن کسوف در دم ندر که است بر ششم  
زکی از روی داد بر کشته بدید برادر و غیره است  
مسانی که او بار شد منزل آسمان و ملک در او در کله  
در میان خون مندر است که زرد در او در بر او چشم  
خون که پای کسوف ز لوز کسی از عمارت و نماند سر  
مهر حیح که بر ایستاد تمام سوار و بر حیح است کار  
مخج و در هر روز در خورد که بر این در رسم هر جای بود  
لتم و حیح در کسوف در دست و در شاه در او در دست  
خون در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف  
در میان کسوف در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف  
مدران ساه که سوار در او در نهی سوار در او در کسوف در کسوف  
که کار حیح در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف  
خود ز داد ساه او در کاسفی در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف  
رعی و کسوف در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف  
به کار ساند به سوار و در دست نماند ساه که به کسوف در کسوف  
میدید شاه از کسوف در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف  
را در کار او و او را در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف در کسوف

تصویر ۶ راست.

<p>که از گهبد آمد نخستین گناه براشفت و گفت ای بداندیش [رند] بدان بد بسازی که مانند تست] ز یک سو کنی با شبان داوری بدریا کنی آشنا با نهنگ نیارند شیران ازو<sup>۱</sup> آب خورد سزد گر شود ماه] ترکش کشم بخنجر کنم] هر دو را ریز ریز وگرنه دگر جا] شه کشورم ترا هم بدستت کفن دوختی] به مرگ] تو مادر بپوشد<sup>۲</sup> سیاه چو گهبد سرت مانده بی تن بود بمانم ترا وانکه] پیوند<sup>۳</sup> تست [وگرنه کنم من] خودآنکم<sup>۴</sup> هواس بیامد سوی خانه دل پرستیز سبک کرد<sup>۵</sup> شیروی را خورد شیر ستد [مر] جهان پهلوانرا بداد زمان تا زمان [خوبتر داشتش] فرستاد وز هدیه هرگونه چیز]</p>	<p>۱۷۰ [گواهی] بدادند در پیش شاه سپهد ز شیروی شد دل‌نژند چرا آن نگویی [که باشد درست [ز یکسو بره پیش گرگ آوری] [برهنه همی برزنی با پلنگ] ۱۷۵ [بران چشمه کاسپ من افشانند گرد] [چو گیرد تگ باد و ابر ابرشم [شب و روز ار آرند با من ستیز [من این جایگه شاه را چاکرم ندانی [که باتش تنت سوختی ۱۸۰ [چنان چون تو هستی سیه پوش شاه ندانی که فردات شیون بود [نه از پشت پاکم اگر تندرست اگر شه کند آنچه از وی رواست بگفت این و با خشم و دشنام تیز ۱۸۵ شد آشفته شه آمد از تخت زیر سرای و همه چیز آن بدنژاد ازان پس دگر پایه بفراشتش [بنزدیک اثرط یکی نامه نیز</p>
--	--

۴. ۱۳۰/۷۵/۲۰۷: آنچه.

۵. ۱۳۰/۷۵/۲۰۷: آنچه.

۶. ۱۳۳/۷۵/۲۰۷: داد.

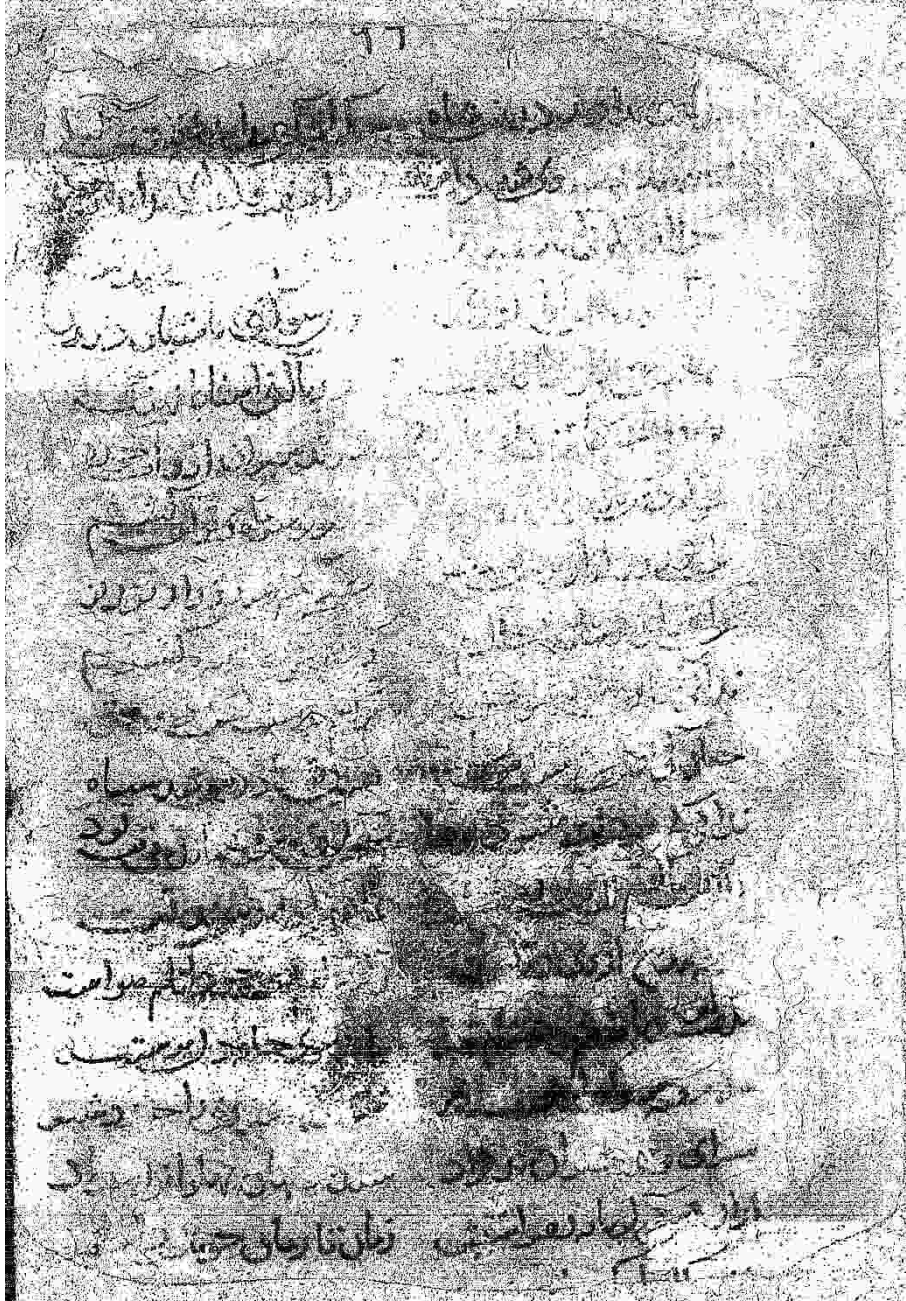
۱. ۱۲۳/۷۵/۲۰۸: ژبان شیر از آن.

۲. ۱۲۹/۷۵/۲۰۷: مادرت پوشد؛ در چاپ یغمائی این

بیت با بیت سپهین پس و پیش شده است.

۳. ۱۳۰/۷۵/۲۰۷: هم‌پشت.





### تصویر ۶ چپ.<sup>۱</sup>

<p>[دگر] از پی دشمن و نام و ننگ [ولیک آمدن را ندانی درست] غم چیز و تیمار جان خوردنست جفا بردن از دست هر ناکسی نخستین یکی نیک همراه جوی<sup>۱</sup> پرهیز و مستان ز کس خوردنی مده باره<sup>۲</sup> تا برنشیند کسی وگر چاره نبود فگن در مغاک هر آبی مخور نازموده درست بویرانی از بن<sup>۳</sup> مکن هیچ رای نخستین<sup>۴</sup> پس و پیش هر سو ببین [همی] کن بره داغ هر پی نگاه بران] بر نشان ستاره ستور بوی تا گهء روز بهتر بود که آرد گهء کار بیچاره گی به از اسب کشتن ز بس تاختن همیشه عنان دار با پالهنک بر خویش دار اسب و گرز و کمند پس]یج کمین گاه ها کرده] باش</p>	<p>[یک]ی از پیء مردی و و زور و هنگ<sup>۲</sup> شدن دانی از خانه روز نخست بلائی ز دوزخ [سفر کردنست وزو<sup>۳</sup> رنج باید کشیدن بسی بره چون شدی هیچ تنها مپوی [کجا] رفت خواهی ببر بردنی [چو تنها بو]ی رنج دیده بسی [مکن تیره شب آتش] تاب ناک [بهر ره مشو تا] ندانی نخست [همی تا بود] دشت و آباد جای [بکار]ی که<sup>۴</sup> در ره درآیی ز زین نهنجار و بی ره چو<sup>۵</sup> افتی ز راه کجا گم شوی چون فرو [فت هور وگر جای آرام در خور بود برفتن مرنجان چنان بارگی [ز] یک روزه دو روزه [ره سا]ختن [به هر] جای از اسب مگذار چنگ [به ره خو]ب جایی گزین بی گزند [همیشه] کمان برزه آورده باش</p>
--	---

۱. نیمه دوم این تصویر بخشی از صفحه ۲۱۳ چاپیست.  
۲. ۳/۷۸/۲۱۳: مرگ و از روز تنگ. متن را «چنگ» نیز می توان خواند.  
۳. ۶/۷۸/۲۱۳: درو.  
۴. ۷/۷۸/۲۱۳: همراه بجوی.  
۵. ۹/۷۸/۲۱۳: اسب؛ چایی پس ازین بیت افزوده: مشو

در ره تنگ هرگز سوار/ ز دزدان پرهیز در رهگذار.  
۶. ۱۳/۷۸/۲۱۳: اندر.  
۷. ۱۴/۷۸/۲۱۳: چو.  
۸. ۱۴/۷۸/۲۱۳: نخست از.  
۹. ۱۵/۷۸/۲۱۳: بهنجار ره چون در.